



Child Rights Journal

2022; 4(13): 61-77

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



International Think Tank of
Human Dignity



The Iranian Association of
Medical Law



The Iranian Association of
Child Rights

Violence against Street Children and Iran's International Commitments

Meisam Norouzi¹, Mahsa Abolghasemi^{2*}

1. Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

2. Department of International Law, Hamedan Civil and Development University, Hamedan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Child protection is becoming important in every country. According to the rights of the child and other international treaties, all children have the right to be protected from harm. Preventing and dealing with violence, exploitation and abuse of children is necessary to guarantee their rights in terms of life, growth and well-being. Global and transnational child protection concerns, the presence of children on the street and the emergence of the phenomenon of street children in many countries of the world, especially in developing countries including Iran, are among the serious problems of these societies. In this study, the dimensions of violence against street children have been examined considering Iran's international obligations.

Method: In this article, it is searched in a descriptive way to review the international documents and procedures of the government programs presented in the Iranian legal system for street children and provide solutions to support them.

Results: The international obligations of the Iranian government, despite the fact that it has changed, passed and amended many laws, but it faces many obstacles in the field of implementation.

Conclusion: Monitoring the strict implementation of existing laws on children, including the Labor law, the Convention on the Rights of the Child, Protection of children and adolescents, and ILO Convention No. 182, all of which have been approved, and an integrated network or system for the protection of street children which created in order to providing appropriate services to children is from the requirements of the effective support of the government in the light of international obligations.

Keywords: Child Rights; Iran's Obligations; Street Children

Corresponding Author: Mahsa Abolghasemi; **Email:** mahsa.ab@yahoo.com

Received: April 14, 2022; **Accepted:** June 11, 2022

Please cite this article as:

Norouzi M, Abolghasemi M. Violence against Street Children and Iran's International Commitments. Child Rights Journal. 2022; 4(13): 61-77.

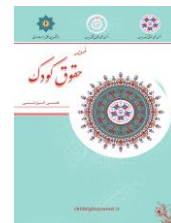


انجمن علمی حقوق کودک ایران | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران | انجمن علمی حقوق بین‌المللی کرامت انسانی

فصلنامه حقوق کودک

دوره چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۶۱-۷۷

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



خشونت علیه کودکان خیابانی و تعهدات بین‌المللی ایران

میثم نوروزی^۱، مهسا ابوالقاسمی^{۲*}

۱. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲. گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه عمران و توسعه همدان، همدان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حمایت از کودک در هر کشوری امری مهم محسوب می‌گردد. مطابق کنوانسیون حقوق کودک و سایر معاهدات بین‌المللی همه کودکان از حق حمایت در برابر آسیب برخوردارند. پیشگیری و مقابله با خشونت، بهره‌کشی و آزار کودکان لازمه تضمین حقوق آنان در زمینه حیات، رشد و رفاه است. دغدغه‌های حمایت از کودکان، جهانی و فراملی هستند. حضور کودکان در خیابان و ظهور پدیده کودک خیابانی در بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران امروزه بخشی از معضلات و مشکلات جدی این جوامع را تشکیل می‌دهد. در این مطالعه ابعاد خشونت علیه کودکان خیابانی با ملاحظه تعهدات بین‌المللی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

روش: در این مقاله به شیوه توصیفی تلاش شده است تا ضمن مروری بر اسناد و رویکردهای بین‌المللی و نیز برنامه‌های ارائه‌شده در سیستم حقوقی ایران، وضعیت کودکان خیابانی مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی برای حمایت از کودکان خیابانی عرضه گردد.

یافته‌ها: تعهدات بین‌المللی دولت ایران اگرچه باعث تغییر، تصویب و اصلاح قوانین زیادی شده است اما در حوزه اجرا با موانع بسیاری مواجه است.

نتیجه‌گیری: نظارت بر اجرای دقیق قوانین موجود در مورد کودکان از جمله قانون کار، پیمان‌نامه حقوق کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و مقاله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار که همه آن‌ها به تصویب رسیده است و ایجاد شبکه یا نظام یکپارچه حمایت از کودکان خیابانی به‌منظور ارائه خدمات مناسب به کودکان، از لازمه‌های حمایت مؤثر دولت در پرتو تعهدات بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، تعهدات ایران، کودکان خیابانی

نویسنده مسئول: مهسا ابوالقاسمی؛ پست الکترونیک: mahsa.ab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Norouzi M, Abolghasemi M. Violence against Street Children and Iran's International Commitments. Child Rights Journal. 2022; 4(13): 61-77.

مقدمه

نیمه دوم قرن بیستم را می‌توان با شجاعت و افتخار عصر کودکان نامید. تقریباً در سراسر گیتی به‌ویژه در کشورهای که به توسعه اجتماعی و اقتصادی مطلوب‌تری دست‌یافته‌اند، بخش مهمی از منابع مادی و معنوی صرف توجه به مسائل کودکان و حمایت روانی و جسمی آنان می‌شود. طفل برای تأمین حقوق خویش به دیگران متکی است. به‌عبارت‌دیگر، جایگاه اجتماعی کودک و امتیازاتی که به همراه دارد، بی‌واسطه در اختیار او قرار نمی‌گیرد و به صلاح‌دید والدین یا قیم او بستگی دارد. بنابراین وجود قیم قانونی و خانواده در راستای تحقق حقوق کودک امری ضروری است. اما بسیاری از کودکان به سبب فقر، اعتیاد، زندانی بودن و... ناگزیر به حضور در خیابان بوده که از آن به عنوان محل زندگی یا کسب درآمد استفاده می‌کنند. بنابراین در معرض انواع خشونت‌های فیزیکی، جنسی، روانی و کلامی قرار می‌گیرند.

البته محبت والدین به فرزندان امری طبیعی است، اما آیا جامعه می‌تواند به‌صرف این ارتباط طبیعی، خود را از مسئولیت در قبال طفل مبرا بداند؟ شاید در بسیاری موارد چنین باشد، اما مطمئناً نمونه‌هایی نیز وجود دارد که طفل بدون حمایت عمومی جامعه که در بدنه قوانین و حقوق مدون تبلور می‌یابد، قطعاً در معرض تعدی و آسیب جدی قرار می‌گیرد. سوال اصلی ما در این مقاله این است که دولت ایران در پرتو تعهدات بین‌المللی خود چه وظایفی در قبال پدیده کودکان خیابانی دارد؟

درواقع می‌توان گفت کار کودکان، پدیده‌ای است که امروزه اکثر شهرهای بزرگ در اغلب جوامع، اعم از توسعه‌یافته و درحال توسعه با آن دست‌به‌گریبان‌اند. کشورمان ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به‌طوری‌که همه ما در بسیاری از شهرهای بزرگ، به‌نوعی شاهد حضور چشمگیر این کودکان در معابر، پارک‌ها،

بازارها و خیابان‌های پرتردد هستیم. اگر مدت‌زمانی را دریکی از این مکان‌ها بگذرانیم می‌توانیم حضور این کودکان را به چشم خود دیده و رفتار و برخورد متفاوت مردم را با آنان نظاره‌گر باشیم. برخی از افراد از آن‌ها کالاهایی را خریداری می‌کنند، برخی ابراز ترحم و دلسوزی می‌نمایند و برخی نیز با بدرفتاری آنان را از خود می‌رانند؛ اما با تأمل بیشتر در این مسئله در خواهیم یافت که وجود و حضور این کودکان در این عرصه علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن سیمای شهر، می‌تواند منشأ بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی دیگری نیز باشد؛ تحقیقات بسیاری در زمینه کار کودکان توسط محققان صورت گرفته و تدابیر مختلفی از سوی ارگان‌های دولتی برای کنترل این مسئله اتخاذ شده است اما آنچه مسلم است تداوم این معضل در جامعه و عدم موفقیت سیاست‌گذاری‌ها در کنترل این مسئله است که خود نیازمند اعمال قوانین و به روز رسانی آنان و اقدامات اجرایی مفید و موثر است.

۱. مفاهیم و ابعاد نظری

۱-۱. **کودک خیابانی:** در بعضی کشورهای فقیر مانند هند، کشورهای جنوب شرقی آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا، سال‌هاست که واژه کودکان خیابانی مفهومی شناخته‌شده است، ولی امروزه این مخصصه انسانی و اجتماعی بسیار فراگیرتر است و کشورهای زیادی حتی بعضی از کشورهای غربی به‌نوعی دچار آن هستند (۱). توضیح آنکه در برخی از کشورها به دلایل مشکلات اقتصادی، حداقل بعد از جنگ جهانی دوم و در بعضی دیگر از دیرباز اصولاً خانواده‌های آلوده‌نشین در کنار بزرگراه‌ها، کنار کانال‌های آب و حتی در محل جمع‌آوری زباله‌ها بخشی از جمعیت کشور را تشکیل داده‌اند، لذا کودکان و نوجوانان این خانواده‌ها نیز در کنار خیابان به دنیا آمده، حمام کرده به تحصیل اشتغال داشته و بالاخره

قاچاق مواد مخدر و جرائم نظیر این درگیرند و بالاخره دسته چهارم به کار روسپیگری اشتغال دارند (۳).

شاید این تقسیم‌بندی یونیسف کاملاً بازگوکننده وضعیت واقعی این کودکان نباشد؛ زیرا کودکی که واکسی است می‌تواند در قاچاق مواد مخدر و روسپیگری هم درگیر باشد. گفته می‌شود که در بعضی از کشورها مانند برزیل وضعیت بسیار تأسف باری مشاهده می‌گردد (۴)؛ مردم این کشور هنوز خاطره غمناک و هول‌انگیز حمله پلیس به کودکان خیابانی در حال خواب و «کشتار کاندلاریا» را فراموش نکرده‌اند (۵).

اجلاس شانزدهم شورای حقوق بشر صرفاً به حقوق کودکان خیابانی اختصاص داشت. هر سال جنبه‌ای از احقاق حقوق کودکان در این اجلاس یک‌روزه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به غیر از ارائه گزارش‌هایی نظیر گزارش نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل، دولت‌های مختلف عضو و ناظر شورای حقوق بشر، در هنگام بیان وضعیت کشور خود راه‌حلهایی را مطرح می‌کنند. متعاقب آن نیز پرسشنامه‌هایی به این منظور به کشورها ارسال و عاقبت کارسازترین تجربه‌ها، جمع‌آوری می‌گردد. می‌توان گفت این رویه در پیشبرد حقوق کودک تاکنون مؤثر بوده است.

کودک خیابانی بر اساس پیمان‌نامه حقوق کودک، به افرادی اطلاق می‌شود که زیر ۱۸ سال می‌باشند، در خیابان زندگی و کار می‌کنند؛ خانواده ندارند یا امکان دسترسی به خانواده برخی از آن‌ها وجود ندارد و یا حتی بازگشت آن‌ها نیز به خانواده امکان دارد و خانواده نیز منتظر بازگشت آن‌ها است و همین‌طور کودکانی که خانواده منتظر آنان نمی‌باشند.

صندوق کودکان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ تعریفی از این کودکان بیان نمود که بر اساس آن، کودک خیابانی به کودکانی گفته می‌شد که در شهرهای بزرگ برای ادامه

هم آنجا مراسم ازدواج خود را برگزار کرده‌اند. در این کشورها بهتر است از خانواده‌های خیابانی یادکرد، ولی آنچه به خصوص از لحاظ ابعاد وسیع و پیچیدگی‌های خاص، جنبه نسبتاً تازه‌تری دارد و موضوع بحث است کودکان و نوجوانانی هستند که فاقد خانواده‌ای به معنای عرفی آن هستند (۲)، حداقل یکی از دو والدین خود را نمی‌شناسند و یا ازدست داده‌اند. خانواده مفروض در اثر طلاق، خشونت، فقر، اعتیاد و بیکاری ازهم‌گسیخته شده و فرزند خانواده احتمالاً از ده یا شهری کوچک به شهری بزرگ و در بیشتر موارد به پایتخت روی آورده و یا توسط گروه‌ها و باندهای قاچاق و بزهکار ربوده و به شهر منتقل شده است. این‌ها دچار مشکلات خاصی هستند و به‌نوبه خود مسائل عدیده‌ای را برای جامعه ایجاد می‌کنند. این گروه به غیر از خیابان خانه‌ای ندارند. آنجا از خواب برمی‌خیزند، احیاناً به‌نوعی و به فراخور سن و شرایط حاکم در خیابان به کاری اشتغال دارند و شب را همان‌جا بیتوته می‌کنند، بدون آنکه آینده مشخصی داشته باشند. این در حالی است که در قسمت اول یعنی در خانواده‌هایی که در بعضی از کشورهای فقیر در آلونک‌ها و سرپناه‌های پلاستیکی به سر می‌برند، اوضاع متفاوت است. در بعضی موارد فرزندان این‌گونه فامیل‌ها حتی به دانشگاه راه می‌یابند و یا به مقامات بالای مملکتی می‌رسند.

بنا بر تعریف یونیسف چهار گروه قابل تشخیص هستند، آن‌هایی که به نحوی سرپناه و خانواده‌ای دارند و در واقع منبع درآمدی برای خانواده خود محسوب می‌گردند و گروه دوم که اصولاً در خیابان زندگی می‌کنند و شامل چهار دسته هستند. دسته اول، آدامس، آب‌نبات و روزنامه می‌فروشند و یا واکسی یا ماشین شورند. دسته دوم گدایی می‌کنند. دسته سوم به کارهای غیرقانونی مانند

البته ناگفته نماند کودکان کار تنها مربوط به کشورهای در حال توسعه نیستند؛ بلکه در کشورهای صنعتی توسعه‌یافته نیز نیروی کار کودک وجود دارد. یکی از صنایعی که هنوز هم بیشترین آمار کار کودک را دارد صنعت پنبه است و کودکان بهترین و ارزان‌ترین نیروی کار در این زمینه هستند. کودکان در کارخانه‌ها در کنار ماشین‌های بافندگی و ماشین‌های دوخت برای تولید پارچه، فرش، لباس در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند هند کار می‌کنند، بسیاری از این مکان‌ها کوچک، تاریک و کثیف هستند. در ازبکستان، ترکمنستان، و تاجیکستان نیز دانش‌آموزان مدارس روستایی در طول کار فصلی به مدت چند ماه از تحصیل دور می‌مانند (۶).

۱-۳. علل وجودی پدیده کودکان خیابانی: در اغلب موارد، علت خیابانی شدن کودکان بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و کسب درآمد است. مهم‌ترین عاملی که در ایجاد این پدیده نقش پررنگی دارد « فقر » است. مسئله فقر نیز معلول عواملی همچون وضع نامناسب اقتصادی کشور و نبود شغل مناسب برای والدین و یا زندانی بودن والدین و اعتیاد است.

برای بعضی گروه‌ها مانند کولی‌ها، کار کودکان به‌ویژه دختران، یک سنت و روش زندگی است. درحالی‌که بسیاری از مردان در سنین جوانی از کار کناره می‌گیرند، درآمد خانواده عمدتاً از کار زنان و بچه‌ها تأمین می‌شود. همچنین در بسیاری از خانواده‌های شهرهای حاشیه مرزها، افراد برای کسب درآمد به دلیل نداشتن شناسنامه، با مشکل‌های حقوقی مواجه‌اند، آنان در سنین پایین ازدواج می‌کنند و خانواده‌های پرجمعیتی دارند. نیاز خانواده‌ها به درآمد کودکان، مانع عمده خانواده‌ها برای برگرداندن کودکان از خیابان به تحصیل و خانه است. به

زندگی خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها هستند. به نظر می‌رسد نقدی بر این تعریف نیز وارد باشد؛ چراکه کودکانی در خیابان‌ها هستند که به اختیار خود در خیابان کار می‌کنند ولی زندگی آنان در خیابان نیست، لیکن به هر حال قسمت عمده‌ای از وقت آن‌ها در خیابان سپری می‌شود.

۱-۲. خشونت علیه کودکان: بر اساس آمار ارائه‌شده در جهان حدود یک میلیارد نفر در سنین ۲ تا ۱۷ سال انواع خشونت شامل بدرفتاری، تهدید، خشونت جسمی، جنسی، کلامی یا عاطفی را تجربه کرده‌اند. خشونت علیه کودکان شامل انواع خشونت علیه افراد زیر هجده سال است که توسط والدین یا مراقبان کودک، همسالان، همسران دوم و یا غریبه‌ها ایجاد می‌شود. تجربه خشونت در دوران کودکی بر سلامت و رفاه مادام‌العمر کودکان تأثیر بسزایی می‌گذارد. شواهد از سراسر جهان نشان می‌دهد که خشونت علیه کودکان قابل‌پیشگیری است و در نتیجه، هدف نهایی پایان دادن به سوءاستفاده، استثمار، قاچاق و تمام انواع خشونت و شکنجه علیه کودکان است. کودکان کار بیش‌تر در معرض انواع خشونت هستند. این کودکان، افراد با سن کمتر از ۱۸ سال بوده که مجبور به کار کردن هستند و به‌جای آموزش برای کسب درآمد و تأمین معاش با دستمزد کم و یا بدون دستمزد کار می‌کنند. این کودکان در کشورهای در حال توسعه بسیاریند و انتخابی غیر از این ندارند. در حال حاضر هم کودکان در کارخانه‌ها، معادن، زمین و صنایع خطرناک کار می‌کنند و بعضی از آنان در شرایط کاری وحشتناکی به سر می‌برند. در کشورهای فقیرتر که کشاورزی بخش مهمی از اقتصاد آن کشور محسوب می‌شود، حدود صد و سی و دو میلیون کودک با سن کمتر از ۱۵ سال در زمین‌های کشاورزی کار می‌کنند. بیشتر آمار کودکان کار مربوط به کشورهای جنوب صحرای آفریقا، جنوب آسیا و آمریکای لاتین است.

نظر بعضی، والدین و بزرگسالان به‌جای اینکه خودشان کار کنند، بچه‌هایشان را سرکار می‌فرستند و آن‌ها از اینکه والدین، آن‌ها را مجبور به کار می‌کنند، ناراضی‌اند. در میان هزینه‌های معمول خانواده، هزینه‌های تحصیل کودکان نیز یکی از مخارجی است که سبب می‌شود کودکان خانواده‌های کم‌درآمد از چرخه آموزش خارج شوند و به‌ناچار به کار روی آورند. بدسرپرستی و بی‌سرپرستی را نیز باید به دلایل وجودی کودکان کار افزود، والدین معتاد، ازکارافتاده و بیمار، بار تامین معاش را بر دوش کودکان خود می‌گذارند.

از سوی دیگر پدیده کودک خیابانی، محصول فرعی جوامعی است که در معرض صنعتی شدن و شهری شدن سریع قرار گرفته‌اند؛ افزایش مهاجرت از شهرهای کوچک به بزرگ، تقاضا برای خدمات و زیرساخت‌های شهری که دولت‌ها قادر به تأمین آن نیستند، به شدت افزایش یافته است. این امر به گسترش شدید مناطق حاشیه‌ای و زاغه‌ها در شهرهای بزرگ منجر شده است. افسردگی، خشم، اضطراب و ناامیدی والدین در رویارویی با فقر، بیکاری، بیگانگی اجتماعی و نبود پایه‌ای‌ترین خدمات، به رفتارهای خشن و بدرفتاری با کودکان و فرار کودکان از خانه منجر می‌شود. در چنین شرایطی، کمبود امکانات برای ارتقای کودکان به شرایط بهتر، مانند دسترسی نداشتن به امکانات تحصیلی و هزینه‌های تحصیل، در کنار نبود سایر امکانات حمایتی خانواده، به تداوم کار کودکان در خیابان می‌انجامد.

بیشتر افراد سودجو و منفعت طلب به علت پایین بودن سطح دستمزد کودکان کار و به علت آگاهی از نیازهای مالی خانواده این کودکان، آن‌ها را با دستمزدهای بسیار ناچیز به کار می‌گیرند و بسیاری از آن‌ها از حقوق اولیه هم برخوردار نیستند (۷).

در نهایت سایر علل و عوامل مهم اجتماعی را که در بروز پدیده کودکان خیابانی مؤثر هستند، می‌توان بدین شرح نام برد: عدم توزیع عادلانه ثروت در جامعه و وجود اختلاف شدید طبقاتی، عدم سیاست‌گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و سنت‌ها و بی‌تفاوتی شهروندان در برابر اشتغال کودکان، مهاجرت‌های بین‌المللی، بالا بودن هزینه‌های تحصیل، عدم مشارکت دولت در کنترل و تحدید پدیده کودکان خیابانی، جنگ یا اغتشاشات داخلی، بی‌سوادی و کم‌سوادی تحصیلات والدین، بی‌تفاوتی، ناآگاهی یا سختگیری‌های نادرست والدین، فقدان سیاست جنایی در مورد کودکان و کمبود مراکز مراقبت بعد از خروج از کانون‌ها.

۴-۱. **خطرهای کار و زندگی در خیابان: کودکان خیابانی**، مشکلات فردی دارند و با محیط ناهمگون‌اند. در کشورهای در حال توسعه، وضعیت روان‌شناختی نامطلوب این کودکان، آن‌ها را به‌سوی زندگی بزهکارانه می‌کشاند و نمی‌توان انکار کرد که زندگی در خیابان رفتارهای ناسالم روانی و جسمی تولید می‌کند، همین‌طور که زندگی در خیابان، فعالیت‌های مجرمانه مانند دزدی و تن‌فروشی را تشویق می‌کند. بیشتر محققان، علت پدیده کودکان خیابانی را فردی نمی‌دانند؛ بلکه آن را در آسیب‌ها و یا فقر خانواده می‌بینند. پژوهش‌های متعددی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان نشان داده است که روابط ناکارآمد و فشارهای اقتصادی خانواده، نقش تعیین‌کننده‌ای در ترک خانه از سوی کودکان دارد. بسیاری از کودکان خیابانی، از خانواده‌هایی می‌آیند که در آن‌ها آزار و بی‌توجهی می‌بینند. کار و زندگی در خیابان با مخاطره‌های مختلفی برای کودکان به‌ویژه کودکان کوچک‌تر همراه است. کارشناسان معتقدند که کار

آزادی عمل بیشتر و توانایی بیشتری برای مراقبت از خود دارند. به علاوه می‌توانند حداقل بخشی از درآمد خود را در اختیار بگیرند که به آن‌ها استقلال و قدرت بیشتری می‌دهد. کودکان، در محیط بسته کاری، مستعد این هستند که خشونت بسیاری از سوی کارفرما و دیگر کودکان را تجربه کنند و به دلیل بسته بودن مکان، خروج از وضعیت و مراقبت از سوی والدین برای آن‌ها دشوار است.

روش

این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی ضمن تبیین ابعاد خشونت علیه پدیده کودکان خیابانی، مروری بر اسناد و رویکردهای بین‌المللی و نیز برنامه‌های ارائه شده در سیستم حقوقی ایران، داشته، وضعیت کودکان خیابانی را مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی برای حمایت از کودکان خیابانی تبیین نموده است.

یافته‌ها

۱. کودکان خیابانی از منظر حقوق بین‌الملل

۱-۱. کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک: کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده است. کودک بر اساس ماده یک این پیمان به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود مگر آنکه قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. در ۲۵ می ۲۰۰۰، الحاق دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل

خیابانی رشد جسمی، جنسی و روانی کودکان را به تأخیر می‌اندازد.

۱-۴-۱. **خطرهای جسمی و جنسی:** کودکان خیابانی، وضعیت تغذیه‌ای مناسبی ندارند و ساعات طولانی بودن در خیابان، آن‌ها را در معرض شرایط آب‌وهوایی نامطلوب و حوادثی قرار می‌دهد. از طرفی مراقبت ناکافی بزرگسالان و شرایط اقتصادی اجتماعی خانواده سبب می‌شود کودکان مراقبت بهداشتی و درمانی کافی نداشته باشند، از جمله برای بسیاری از کودکان، واکسیناسیون انجام نشده است یا ناقص است. ممکن است از این کودکان سوءاستفاده‌های مکرر جنسی شود که آنان را در معرض بیماری‌هایی چون ایدز، حاملگی ناخواسته و سایر مخاطرات جنسی قرار دهد.

۱-۴-۲. **مخاطره‌های روانی و اجتماعی:** کودکان در خیابان به شکل روزمره در معرض رفتارهای تحقیرآمیز و توهین مردم قرار می‌گیرند. بعضی از کودکان از اینکه در خیابان به کار اشتغال دارند و ممکن است آشنایان آن‌ها را در خیابان ببینند، احساس شرمندگی می‌کنند. در مورد بعضی مشاغل، این احساس شدیدتر است؛ به‌ویژه کودکان زباله گرد، نسبت به کار خود احساس منفی دارند و این موضوع ممکن است باعث خودکشی و یا آسیب‌های جدی روانی شود.

۱-۴-۳. **سایر آسیب‌های محیط‌های کار:** تعدادی از کودکان خیابانی، به‌تناوب در مکان‌های دیگری جز خیابان نیز به کار مشغول‌اند. هرچند کودکان در خیابان، در معرض آسیب‌های مختلف جسمی، جنسی و روانی قرار دارند، به نظر تعدادی از کارشناسان، این خطرها در مکان‌های بسته کارگاه‌ها از سوی کارفرما و سایر کودکان بیشتر است. به عقیده بعضی از فعالان کار کودکان، کار در خیابان در مقایسه با کار در مکان‌های بسته‌ای چون کارگاه‌ها و تولیدی‌ها مزایایی دارد. کودکان در خیابان،

ب) استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید و اجرای پورنوگرافی کودک؛

پ) استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی، به‌ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند؛

ت) کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد.

و النهایه طبق توصیه‌نامه ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک نیز انجام این کارها برای کودکان ممنوع است:

الف) کاری که کودکان را در معرض سوء استفاده جسمانی، روانی یا جنسی قرار می‌دهد؛

ب) کار در زیرزمین، زیرآب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته؛

پ) کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای خطرناک، یا کاری که متضمن جابجایی یا حمل بارهای سنگین با دست است؛

ت) کار در محیط ناسالم که ممکن است، به طور مثال، کودکان را در معرض مواد، عوامل یا فرآیندهای خطرناک، یا در معرض دما، صدا، یا ارتعاش‌های مضر برای سلامتی آنها قرار دهد؛

ث) کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب یا کار در جایی که کودک به نحو غیرمعارفی محدود به کارگاه کارفرما است.

۱-۲. قطعنامه ۱۶/۱۲ شورای حقوق بشر و کودکان خیابانی: قطعنامه ۱۶/۱۲ که در جلسه چهارم و شش شورای حقوق بشر و در تاریخ (۲۴ مارس ۲۰۱۱) تصویب گردید، مشتمل بر ۲۰ بند است و انعکاسی از بحث‌های

متحد قرار گرفت. یکی «پروتکل الحاقی درباره خرید و فروش کودکان، خودفروشی کودکان و هرزه‌نگاری کودکان» که این اقدامات را در کشورهای عضو ممنوع می‌سازد و دیگری «پروتکل الحاقی درباره به‌کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه» که اعضا تعهد می‌کنند از هر اقدام ممکن برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه‌های مسلح استفاده کنند. طبق ماده ۳۲ این کنوانسیون کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هر گونه کاری که زیان‌بار بوده و یا توقیفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی وی مضر باشد را به رسمیت می‌شناسند و همچنین اقدامات لازم قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت تضمین اجرای ماده حاضر به عمل خواهند آورد. در این راستا و با توجه به مواد مربوط در سایر اسناد بین‌المللی، کشورهای طرف کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را مورد توجه قرار خواهند داد:

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار؛

ب) تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار؛

ج) تعیین مجازات‌ها و یا اعمال سایر ضمانت‌های اجرایی مناسب جهت تضمین اجرای مؤثر ماده حاضر؛

ماده ۳ کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک مصوب ۱۹۹۹ اعلام می‌دارد، اصطلاح «بدترین اشکال کار کودک» شامل موارد زیر است:

الف) کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش و قاچاق کودکان، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور یا اجباری، از جمله استخدام به زور یا اجباری کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه؛

یونیسف را هدایت و رهنمون می‌نماید. این راهبرد، با همکاری نزدیک کشور میزبان اجرا خواهد شد.

پیشگیری و مقابله با خشونت، بهره‌کشی و آزار کودکان لازمه تضمین حقوق آنان در زمینه حیات، رشد و رفاه است. نگرش و رویکرد یونیسف ایجاد محیطی حامی است که در آن دختران و پسران رها از هر نوع خشونت، بهره‌کشی و جدایی غیرضروری از خانواده قرار دارند و قوانین، خدمات، رفتارها و رویه‌ها، آسیب‌پذیری کودکان را به حداقل می‌رساند و عوامل شناخته‌شده خطرزا را مدنظر قرار می‌دهد و انعطاف‌پذیری کودک را تقویت می‌نماید. این رویکرد مبتنی بر حقوق بشر است و بر پیشگیری و همچنین مسئولیت دولت‌ها تأکید می‌ورزد، کارآیی کمک‌ها را از طریق حمایت ملی برای حمایت از کودک تقویت می‌نماید و نهایتاً منعکس‌کننده نقش خود کودکان به‌عنوان عاملان تغییر و بازیگران محیط‌های حامی است.

حمایت از کودک در صورتی موفق است که با پیشگیری آغاز شود. اولویت در نظر گرفته‌شده برای آموزش، بهداشت و توجه به تبعیض‌های جنسیتی در اهداف توسعه هزاره و فعالیت‌های یونیسف، این راهبرد پیشگیرانه را از جمله در شرایط بحرانی مورد تأیید قرار می‌دهد. رویکردهای حساس نسبت به کودک در حمایت‌های اجتماعی می‌تواند نقش عمده‌ای ایفا نماید. هدف از تأکید مجدد یونیسف بر اثرگذاری بر خط‌مشی‌ها، در کنار فعالیت در زمینه حمایت از کودک، جلب توجه بیشتر به کودکان در چارچوب نظام‌های ملی، حمایت اجتماعی و عوامل بین‌المللی است. چارچوب‌های حقوق داخلی که به معافیت از مجازات عاملان خشونت علیه کودکان پایان می‌دهند و برای کودکان امکان دسترسی به عدالت را فراهم می‌کنند نیز ضروری و اساسی می‌باشند.

صحن شورا در ارتقای حمایت از حقوق کودکانی است که در واقع در شرایط بسیار نامطلوب بسر می‌برند. اهم نکات قابل توجه آن در صورت پیگیری جامعه بین‌المللی شاید بتواند تا حدودی بر درد کودکان خیابانی علاجی باشد، که این موارد به شرح زیر است:

- اشاره به اهمیت خانواده و همچنین وظایف خانواده‌ها برای فراهم‌آوردن شرایط بهتر برای حمایت و پرورش کودکان.

- توجه به عامل فقر در چهارچوب یادآوری اهداف توسعه‌ای هزاره به‌خصوص در مورد کودکان و اشاره به تأثیر بحران مالی بین‌المللی.

- منع درگیری کودکان در درگیری‌های مسلحانه و اصولاً هرگونه موردی که کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری الحاقی به آن‌ها اشاره داشته است.

- موظف نمودن دولت‌ها به حمایت از کودکان و مجازات مجرمین از طریق قانون‌گذاری و اقدامات پیشگیرانه.

- مشارکت دادن کودکان خیابانی به فراخور حال در کلیه مراحل که به حل مشکلات و تخفیف آلام آن‌ها می‌انجامد.

گرچه به نظر نمی‌رسد که این قطعنامه به‌تنهایی قادر به تغییر وضع کودکان خیابانی شود، ولی شروع راهی جدید برای جلب توجه بیشتر به وضعیت این‌گونه کودکان است که در صورت ادامه شاید بتواند بخشی از سرمایه‌های انسانی کشورهایی را که به‌طور جدی گرفتار آن هستند را از وضعیت تأسف بار فعلی نجات دهد.

۱-۳. تعهدات یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد)

در خصوص کودکان خیابانی: حمایت از کودک در هر کشوری امری مهم محسوب می‌گردد و برای یونیسف یک اولویت اساسی است. چارچوب مقرراتی بین‌المللی موجود در زمینه حقوق کودک و تصمیمات و سیاست‌های توافق شده در ارکان بین‌الدولی سازمان ملل متحد، فعالیت‌های

برخی آسیب‌های حوزه حقوق کودک عبارت‌اند از: آزار و بهره‌کشی جنسی، قاچاق، کار خطرناک، خشونت، زندگی و کار کردن در خیابان‌ها، تأثیر مخاصمه مسلحانه از قبیل استفاده از کودکان توسط نیروها و گروه‌های مسلح، رویه‌های مضر از قبیل ختنه دختران و ازدواج کودک، نبود دسترسی به عدالت و قرار دادن غیرضروری کودکان در مراکز نگهداری کودک. از سوی دیگر، رویه‌های مضر و آزاردهنده علیه کودکان موجب تشدید فقر، انزوای اجتماعی و بیماری‌های ایدز می‌شود و احتمال اینکه نسل‌های بعدی با خطرات مشابهی مواجه شوند را افزایش می‌دهد. از این‌رو، حمایت از کودک بخش مهم و نقش اساسی یونیسف را در نیل به اهداف اعلامیه و توسعه هزاره ایفا می‌کند. یونیسف برای حمایت از کودک در سراسر جهان هم در شرایط بحرانی و هم در شرایط باثبات اولویت قائل است.

هدف این راهبرد، کاهش مواجهه کودکان با آسیب‌ها است که از دستاوردهای حمایت از کودک که توسط فعالیت‌های یونیسف شناسایی شده است حمایت می‌کند و به تقویت این دستاوردها برای آینده کمک می‌نماید. این راهبردها، اهداف و شاخص‌های جدید یا بیشتری برای حمایت از کودک ارائه نمی‌کند و با توجه به گستردگی حوزه حمایت از کودک، سعی در ارائه جزئیات برنامه‌های مربوط به این حوزه را ندارد. یونیسف از طریق شناسایی اقدامات راهبردی در زمینه حمایت قوی از کودک در سراسر دنیا امیدوار است تا با رویکردهای دیگر بازیگران فعال در عرصه حمایت از کودک، حقوق بشر و توسعه و همچنین بخش خصوصی تأثیر بگذارد تا با تلاش‌های هماهنگ تأثیربخشی بیشتری داشته باشد. کلیه برنامه‌ها و اقدامات در جهت بهبود بهداشت، تحصیل، نقش‌آفرینی یا به‌منظور مقابله با اثرات ایدز باید به‌طور یکسان برای تقویت و نه تضعیف حمایت از کودک طراحی شوند.

راهبرد در یک چارچوب گسترده مقررات بین‌المللی در زمینه حمایت از کودک و توصیه‌های مرتبط ارائه شده در مطالعه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه کودکان استوار است. این راهبرد بر مدیریت و سهیم کردن دانش و توجه به انزوای اجتماعی، در نظر گرفتن حمایت از کودک در همه بخش‌ها از جمله بهداشت و آموزش و پرورش و در شرایط بحران، ظرفیت‌سازی دولت‌ها و سایر شرکا و فعالیت‌های بالادستی به‌منظور کسب نتایج پایدار تأکید دارد. در این راهبرد یونیسف بر تأکید بر اهمیت مشارکت در همه سطوح از جمله با خود کودکان ادامه می‌دهد.

پنج بخش اصلی راهبرد بر اساس رویکردهای عمده ایجاد یک محیط حامی، عبارت‌اند از:

- تقویت نظام‌های ملی حمایتی؛

- حمایت از تغییرات اجتماعی؛

- ترویج حمایت از کودک در مخاصمه مسلحانه و بلایای طبیعی؛

- عوامل ایجادکننده و تسریع‌کننده تغییر.

این راهبرد در هر حوزه، بر مبنای درس‌های آموخته در سطح کشوری و با ترکیب رویکردهای موجود در راهنمای حمایت از کودک با رویکردهای جدید و مستحکم دیگر استوار است.

۱-۴. تعهدات در پرتو سازمان بین‌المللی کار:

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۲، برنامه بین‌المللی از بین بردن پدیده کودکان کار را در دستور کار خود قرار داد که هدف آن حذف کار کودکان از جامعه از طریق تقویت ظرفیت‌های ملی برای مواجهه و آشنائی با مسائل کار کودکان و ایجاد یک جنبش سراسری برای مبارزه در این مسیر بوده است. خط مشی مرحله بندی شده و چند بخشی این طرح عبارتند از:

- ایجاد اتحاد برای تأیید و اقدام علیه کار کودکان؛

سال را مطلقاً ممنوع کرده است و تبعاً مقرره‌ای در خصوص شرایط کار کودکان و حقوق آنان در فرض اشتغال ندارد. پیش‌بینی حداقل سن اشتغال، بدون در نظر گرفتن شرایط هر شغل و وظیفه اقتصادی هر خانواده با انتقاداتی مواجه است (۱۰)؛ تا جایی که تلاش‌های نظری برای انسانی‌کردن کار کودکان، در قالب «کار خوب کودک» به‌جای حذف آن، صورت گرفته است (۱۱). در بعضی از پژوهش‌های سازمان بین‌المللی کار پیشنهاد شده است که از افراط و تفریط در این خصوص خودداری شود، یعنی اینکه کار کودکان در هر شغلی به‌صورت رؤیای‌پردازانه منع شود و نه فرض نظام حقوقی بر این قرار گیرد که والدین همواره مصلحت کودک را در نظر می‌گیرند. حتی ادعا می‌شود که لزوم قانونی‌بودن بعضی از انواع کار برای کودکان، تبدیل به اجماع بین‌المللی شده است (۱۲).

در میان احکام معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آن‌ها پیوسته است، ماده ۳۲ کنوانسیون جهانی حقوق کودک در خصوص اشتغال به چشم می‌خورد. این ماده دولت را موظف به تعیین حداقل سن برای اشتغال کرده است، چون وقتی شرایط حاکم بر هر شغل از حیث میزان آسیبی که به فرد می‌زند، متفاوت است، حداقل سن برای ورود به آن نیز باید متفاوت باشد. قانون اساسی هند بر این اساس نوشته شده و فقط کارهای پرخطر را برای کودکان زیر ۱۴ سال ممنوع کرده است (۱۳). در میان اسناد بین‌المللی، کنوانسیون حداقل سن اشتغال (۱۴)، ۱۵ سال را الزام کرده که البته ایران به آن نپیوسته است. دلیل انتخاب ۱۵ سالگی، به‌موجب ماده ۳ کنوانسیون، عدم تعارض کار با تحصیلات اجباری است؛ چون به لحاظ تاریخی ثابت شده است که تحصیلات اجباری مناسب‌ترین ابزار دولت برای مبارزه با نقض حقوق کودک، از جمله کار است (۱۵). این معیار در ماده ۳۲ کنوانسیون جهانی حقوق کودک نیز پیش‌بینی شده است؛ بنابراین، مقرر ماده ۷۹ قانون کار که واقعیت حاکم

- تحلیل وضعیت کار کودکان در یک کشور؛
- همکاری در پیشبرد و اجرای سیاست‌های ملی درباره مشکلات کودکان کار؛
- تقویت سازمان‌های موجود و برپایی ساز و کارهای سازمانی؛
- پیشبرد و گسترش و اجرای قوانین حفاظتی برای کودکان کار؛
- حمایت‌های صریح و عملی از کودکان کارگر و به ویژه موارد مدنظر کنوانسیون بدترین اشکال کار کودکان؛
- دخالت دادن موضوع کودکان کار در سیاست‌ها، برنامه‌ها و بودجه دولت‌ها (۸).

بر اساس مقاوله‌نامه شماره ۱۳۸ این سازمان مصوب بیست و ششم ژوئن ۱۹۷۳ و لازم‌الاجرا از سال ۱۹۷۶ در مورد تعیین «حداقل سن اشتغال» که با هدف حذف کامل کار کودک برای مشاغل سخت و زیان‌آور تهیه شده است، هر نوع سوء استفاده از کودک، بهره‌کشی جنسی، بیگاری و استثمار اقتصادی و بی‌توجهی به کودک ممنوع بوده و بر نقش خانواده‌ها به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط طبیعی رشد و نمو کودک که وظیفه اصلی را در پیشگیری از این موارد و حمایت از کودک بر عهده دارند و سپس وظیفه اقدام و نظارت دولت‌ها در رعایت و اجرای اسناد بین‌المللی یاد شده، تأکید می‌نماید که اشتغال به کارهای زیانبار و با احتمال خطر که از جهت بهداشت، ایمنی، یا مسائل اخلاقی، کودکان را تهدید می‌کند برای افراد کمتر از هجده سال ممنوع است؛ لیکن متأسفانه دولت ایران هنوز به این مقاوله‌نامه نپیوسته است (۹).

۲. تعهدات بین‌المللی دولت ایران در خصوص حقوق

کودکان خیابانی و کار: در ایران در خصوص حمایت از کودکان در برابر انواع خشونت قوانین متعددی وجود دارد؛ به طور مثال قانون کار ایران، به کار گماردن کودکان زیر ۱۵

سن حضانت، اعم از پسر و دختر تا سن هفت‌سالگی با مادر است) و قانون مهم دیگر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ و نهایتاً «قانون حمایت اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹ است که طبق ماده یک آن، اشخاص کمتر از ۱۸ سال شمسی تمام، از حمایت‌های قانونی این قانون بهره‌مند می‌شوند. در این قانون، هرگونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره بیندازد، جرم انگاری شده است.

طبق ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱، تمامی افراد، مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف کرده است به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند و مجازات تخلف از این تکلیف را حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال اعلام کرده است. کودک‌آزاری بزه اجتماعی خاص زندگی جمعی است که می‌توان با بررسی علل و عوامل شکل‌گیری جرم و تصویب و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در سه سطح؛ قبل از وقوع جرم، در حین وقوع جرم و پس از وقوع جرم، تا حد امکان آن را کنترل کرد.

اما با اصلاح آیین‌نامه قانون حمایت اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در مهرماه ۱۴۰۱ دو مورد دیگر برجسته شد، یکی جدا کردن موضوع کودک کار از کودک خیابانی است؛ کودک خیابانی کودک‌کی است که در خیابان است و تکدی‌گری می‌کند یا به مشاغل کاذبی مانند اسفند دود کنی و واکسی مشغول است کار آن‌ها در خیابان است و به نام کودک کار خیابان شناخته می‌شوند. اما کودک کار، کودک‌کی است که در ازای یا بدون مزد مجبور است ساعاتی را کار کند. دیگری موضوع جمع‌آوری کودکان

بر جامعه را نادیده می‌گیرد، به نفع کودکان نیست و فقط با علمی سازی انواع کار کودک، از میزان حساسیت عمومی و تبعاً مسئولیت دولت در مبارزه با بردگی و دیگر اشکال مضر کار کودکان می‌کاهد.

۱-۲. عضویت ایران در کنوانسیون حقوق کودک:

جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در ۵ سپتامبر ۱۹۹۲ در اوت ۱۹۹۴ (اسفندماه ۱۳۷۲) با اعلام حق شرط، تصویب کرده است. با توجه به اینکه طبق اصل ۷۷ قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده‌واحد‌ای، الحاق به کنوانسیون را با همین قید کلی ملزم نبودن به موارد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب نمود. متن ماده واحد چنین بوده: کنوانسیون حقوق کودک، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم‌الرعایه نباشد. برخی در این مورد معتقدند که دولت ایران با گنجاندن چنین شرطی، در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون مغایرت وجود دارد. بنابراین بعد از تصویب کنوانسیون قوانینی در ایران به تصویب رسیده است که گامی مهم و مؤثر در جهت حمایت از حقوق کودک در پرتو تعهد بین‌المللی دولت ایران است، از جمله پیش‌بینی آیین دادرسی خاص ویژه اطفال بزهکار، تجدیدنظر در قانون مدنی در مورد سن نکاح مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۸۱ (اصلاحیه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی)، تجدیدنظر در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی در مورد حضانت اطفال، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (آذرماه ۱۳۸۲ مبتنی بر اینکه

حوزه «حمایت از کودکان در شرایط بحران» و ایجاد یک سازوکار هماهنگی ملی برای این حوزه و نیز ارتقاء ظرفیت سازمان بهزیستی کشور برای پایش وضعیت کودکان بدون سرپرست اقدامات موثری را انجام داده است. سازمان‌های همکار اصلی یونیسف در این حوزه عبارتند از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی کشور، سازمان مدیریت بحران کشور و جمعیت هلال احمر ایران.

یکی دیگر از اقدامات یونیسف در همکاری با دولت ایران در زمان پاندمی کرونا بود. یونیسف ۱۵ هزار بروشور اطلاع‌رسانی در خصوص اقدامات پیشگیرانه و توصیه‌های بهداشتی کرونا به زبان کودکان برای کودکان در معرض آسیب تهیه و چاپ کرد و با همکاری سازمان غیردولتی مردم نهاد که خدمات و حمایت‌های اجتماعی روانی به کودکان آسیب‌پذیر، از جمله کودکان کار و خیابان و همچنین کودکان مهاجر افغانستانی در استان‌های مختلف ارائه می‌دهند، به همراه اقلام بهداشتی توزیع نمود. یونیسف در همکاری با شورای اجتماعی کشور در راستای اعتلای مراکز نگهداری از کودکان خیابانی نیز به تبادل تجربیات و جلب حمایت‌های مادی دست زده است (۱۶).

۲-۳. قانون کار جمهوری اسلامی ایران: در قانون کار نیز در راستای ممنوعیت کارهای سخت و زیان‌آور برای کودکان مقرراتی درج شده است. مبحث پنجم از فصل سوم قانون کار جمهوری اسلامی ایران به کار کودک اختصاص داده شده است، در ماده ۷۹ این قانون آمده که به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام و به‌کارگیری نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز در شغل‌های سخت و زیان‌آور ممنوع است. بر اساس این قانون، اگر یک کارفرما کودک زیر ۱۵ سال را به کار بگیرد، متخلف خواهد بود و برای نخستین بار به مجازات نقدی و برای بار دوم به مجازات نقدی و حبس محکوم می‌شود و در مرتبه سوم علاوه بر

کار و خیابان است. پلیس موظف شده است علاوه بر شناسایی کودک کار و خیابانی در معرض مخاطره که سلامتی جسمی، جنسی و روانی کودک در خیابان یا کارش مورد تهدید قرار گرفته، نسبت به جمع‌آوری کودکان اقدام کند.

۲-۲. عملکرد یونیسف در ایران: جمهوری اسلامی ایران از جمله اعضای یونیسف است که در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی عضو این صندوق شد و همکاری یونیسف با وزارت بهداشت و درمان، در ارتباط با طرح واکسیناسیون عمومی و مبارزه با بیماری‌ها آغاز شده است. در این دوره، همکاری یونیسف به‌صورت ارائه خدمات مشاوره‌ای از طریق کارشناسان فعالیت‌های آموزشی، تهیه تجهیزات و حمایت مالی از طرح‌های دولت بوده است.

در طول مدت همکاری‌ها دولت ایران در حوزه حقوق کودک در سه بخش خواستار همکاری با یونیسف شده است: بر اساس «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱ هر نوع سوءرفتار با کودک ممنوع است. اجرای این قانون مستلزم تدوین و پیاده‌سازی یک برنامه ملی پیشگیری و شناسایی زودهنگام سوءرفتار با کودک است. کودکان بدون سرپرست مؤثر از گروه‌های اولویت‌دار برای دریافت مراقبت و حمایت هستند. کارشناسان سازمان بهزیستی کشور برای بهبود کیفیت خدمات به این کودکان و ایجاد یک سیستم پایش با هدف پیگیری وضعیت آن‌ها، درخواست همکاری کرده‌اند. ایران بسیار در معرض خطرات بلایای طبیعی از جمله زمین لرزه، سیل، خشکسالی، رانش زمین و طوفان‌های بزرگ قرار دارد. کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های نیازمند حمایت در شرایط بحران هستند. مفهوم «حمایت از کودک در شرایط بحران» نیازمند فهم جامع و کامل است. یونیسف در این راستا در جهت ارتقاء ظرفیت نقش‌آفرینان اصلی

این موارد، کارخانه یا کارگاه پلمپ و پروانه کار فرد متخلف ابطال خواهد شد. از سوی دیگر، ماده ۸۴ قانون کار پیش‌بینی کرده است که در مشاغل و کارهایی که ماهیت آن برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود که تشخیص این امر با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

۳. اقدامات اجرایی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کودکان خیابانی: در بهمن‌ماه ۱۳۷۷ طی جلسات متعدد کارشناسی، توافق‌نامه‌ای در خصوص جمع‌آوری، پذیرش، طبقه‌بندی و نگهداری کودکان خیابانی بین معاون امور اجتماعی استانداری، شهرداری تهران، کانون اصلاح و تربیت، بهزیستی استان تهران، اداره سرپرستی دادگستری تهران، معاونت انتظامی امنیتی تهران بزرگ و معاونت دادگستری کل استان تهران تدوین گردید. از مهرماه سال ۱۳۷۸ در ۱۶ استان کشور طرح «مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۳۸۰ تعداد مراکز به ۲۱ عدد رسید و ۵۰۵۰ کودک خیابانی در این مراکز پذیرش و سازمان‌دهی گردیدند. با توجه به افزایش جمعیت کودک خیابانی، در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ طرحی دیگر تحت عنوان «طرح ساماندهی بیست هزار کودک خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور تهیه و در شورای اجتماعی تصویب گردید و تا پایان سال ۱۳۸۱ تعداد مراکز در سراسر کشور به ۴۲ مرکز کودکان خیابانی و ۶ مهمانسرای سلامت کودکان کار رسید.

آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی به‌منظور ارائه حمایت‌های اجتماعی، توانمندسازی اجتماعی و آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های زندگی به کودکان خیابانی بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، در هیئت دولت به شماره ۲۲۷۱۷/۳۲۳۸۶ ه - مورخه ۱۳۸۴/۵/۴ تصویب و

جهت اجرا ابلاغ شده است. این آیین‌نامه در پنج فصل و دوازده ماده تدوین گردیده و اختصاصی‌ترین مصوبه در خصوص کودکان خیابانی در بالاترین سطح قانونی است. بر اساس این مصوبه وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، شهرداری، نیروی انتظامی، دادگستری، وزارت آموزش و پرورش و کمیته امداد امام، موظف به همکاری در خصوص کودکان خیابانی شده‌اند. این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور را موظف کرده است که با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن‌های خیریه، تشکل‌های غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب گروه تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری‌ها سازمان‌دهی می‌شوند، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان‌ها و در صورت لزوم در شهرهای بالای دویست هزار نفر جهت حضور کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت کودکان خیابانی در مراکز اقامت سه سطح اقدام کند. بر اساس این آیین‌نامه اقامت کوتاه‌مدت به حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱ روز، اقامت میان‌مدت بیشتر از ۲۱ روز تا پایان یک سال و اقامت درازمدت شامل حضور کودک خیابانی بی‌سرپرست و یا بد سرپرست در مراکز شبانه‌روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آیین‌نامه مراکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی است. وزارت رفاه نیز هماهنگی اجرایی این آیین‌نامه را بر عهده خواهد داشت و هر ۶ ماه یک‌بار گزارش‌ها و اقدامات انجام‌یافته را تحلیل و جمع‌بندی و به شورای عالی ارائه می‌دهد.

اقدام موثر دیگر لایحه «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» مصوبه هیات دولت در سال ۱۴۰۰ است. لایحه مذکور مشتمل بر ۵۰ ماده، به مسائلی همچون نحوه تشکیل پلیس ویژه و شرایط و ویژگی‌های آن‌ها، حدود صلاحیت و تکالیف پلیس ویژه، پیش‌بینی ساز و کارهای حمایتی لازم مانند

پاسخگویی به نیازهای معیشتی و اقتصادی آن‌ها و ارائه خدمات حمایتی، آموزشی، درمانی، مشاوره و مددکاری لازم به آنان، بها دادن به NGO های مرتبط با حقوق کودکان و خانواده‌ها و حمایت‌های دولت از این سازمان‌های مردم‌نهاد جهت استیفای حقوق کودکان و خانواده‌ها و استفاده از ظرفیت‌های این سازمان‌ها، همگی می‌توانند از مهمترین عوامل کاهش پدیده کودکان خیابانی و آسیب‌های اجتماعی مربوط به آن تلقی شوند.

ارائه راهکار یکی از چالش‌های مهم در ارتباط با کودکان خیابانی است. سال‌هاست سازمان‌های دولتی که مسئول انجام اقدامات در این زمینه بودند و وجود کودکان خیابانی را انکار می‌کردند، واقعیت موجود را پذیرفتند و از آن زمان به فکر انجام اقداماتی برای کاهش این پدیده افتادند. ضرورت ارزشیابی اقدامات انجام‌شده توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی و یونیسف به‌منظور اطلاع دقیق از نتایج این اقدامات و مشکلات موجود و ارائه راهکارهای مناسب، تأکید بر امر پیشگیری به‌منظور جلوگیری از بازتولید کودکان کار و خیابان، توجه به عوامل ایجادکننده پدیده کودکان خیابانی و اولویت‌های آن و اتخاذ راهکارهای مرتبط با آن، کاهش تمرکز بر کلان‌شهرها و توجه به شهرها و روستاها به‌عنوان منابع بازتولید این کودکان، امری ضروری است. با توجه به شرایط موجود در جامعه ما پدیده کودکان کار و خیابان را نمی‌توان کاملاً از بین برد بلکه می‌توان آن را کاهش داد و کاهش آن نیز به‌صورت ضربتی و با اجرای چند طرح میسر نیست؛ بلکه به شکل یک جریان و فرایند در قالب راهکارهای بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت عملی خواهد بود.

راهکارهای بلندمدت در سطح کلان شامل فقرزدایی، تأمین رفاه و عدالت اجتماعی، کاهش تبعیض طبقاتی با توجه به عاملیت موثر فقر در ایجاد پدیده کودکان

استخدام زنان پلیس، جداسازی از بزرگسالان، تشریفات خاص اعزام نزد مرجع قضایی و منع اقدامات برچسب زنی، استفاده از روش‌های غیرقضایی در مواجهه با جرایم کودکان و نوجوانان با تکیه بر اصول و مبانی عدالت ترمیمی پرداخته است؛ و اجرایی شدن آن می‌تواند کمک شایان توجه‌ای به مبارزه با خشونت علیه کودکان کار و خیابانی باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

کودکان به دلیل ضعف قوای فکری و جسمی و ضریب آسیب‌پذیری بالا به‌خصوص در برابر مصائب و خطرات عصر حاضر، از حقوقی دوجندان برخوردارند که این حقوق در کنوانسیون، پس از ولادت کودک لحاظ شده و مواردی مانند حق حیات، حق ابراز عقیده، حق تابعیت و مالکیت و ... از جمله مصادیق آن است. جامعه به مرجعی صالح در جهت ارزیابی دستورالعمل‌ها و قوانین بین‌المللی و جهانی قبل از عرضه و اجرا نیازمند است. یک کودک خیابانی می‌تواند با بهره‌مندی از اندک امکاناتی که اساساً مستحق داشتن آن‌هاست در زیر چتر عدالت به جایگاه واقعی خودش در اجتماع دست پیدا کند؛ جایگاهی که شاید با تفویض درست آن به همان کودک می‌تواند در تعلیم و تربیت فرزندان آن‌ها متبلور شود و در نتیجه افراد توانمند، عاملان تربیت نسلی توانمند و نتیجتاً جامعه‌ای توانمند می‌شوند. ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی، ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های همگانی و مخصوصاً افزایش آگاهی خانواده‌ها از طریق رسانه‌های جمعی و فراگیری مانند تلویزیون، پیشگیری و کاهش سایر آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان و خارجی‌ها به شهرها و حواشی آن‌ها، تهیه و تدوین قوانین حمایتی موثر در جهت حمایت از افشار آسیب‌پذیر به ویژه کودکان، شناسایی کودکان و خانواده‌های در معرض خطر و

- ایجاد سرپناه‌ها در محل کار و زندگی کودکان کار و خیابان برای مراجعه داوطلبانه کودکانی که با خانواده خود زندگی نمی‌کنند و نیاز به خدمات گوناگون دارند؛

- جلوگیری از بدترین اشکال کار کودک در خیابان و سایر اماکن و ساعات طولانی کار در خیابان.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

خیابانی؛ توجه به آموزش همگانی به‌ویژه والدین به‌منظور تغییر نگرش‌های نامطلوب نسبت به کودکان و بازسازی فرهنگی جامعه به‌ویژه حل مشکل اعتیاد و بزهکاری، و تأکید بر کاهش مشکلات اجتماعی از جمله بحث جمعیت مهاجر، و رفع بیماری‌ها و تنش‌های روانی و... است. بدیهی است تحقق این روش‌ها نیاز به برنامه‌ریزی در سطح کلان جامعه دارد و مستلزم تغییراتی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی جامعه است.

همچنین راهکارهای میان‌مدت و کوتاه‌مدت در سطح سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با کودکان شامل موارد زیر است:

- تدوین قوانین حمایتی و بازنگری در برخی از آن‌ها در ارتباط با کودکان کار و خیابان؛

- نظارت بر اجرای دقیق قوانین موجود در مورد کودکان از جمله قانون کار، پیمان‌نامه حقوق کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و مقابله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار؛

- ایجاد شبکه یا نظام یکپارچه حمایت از کودکان خیابان به‌منظور هماهنگی بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای جلوگیری از دوباره‌کاری و ارائه خدمات مناسب به این کودکان؛

- ارتباط با خانواده‌های این کودکان و ارائه حمایت‌های مالی، قانونی، آموزشی، درمانی، مشاوره‌ای و مددکاری از جمله توسط کلینیک‌های حقوق کودک در استان‌ها؛

- ایجاد مراکز حمایتی متناسب به‌صورت باز و آزاد و هدفمند و با برنامه جامع آموزشی به‌منظور حمایت و ارائه خدمات لازم و داوطلبانه به کودکان؛

- استفاده از مددکاران اجتماعی در همه مراحل ساماندهی برای جذب داوطلبانه به مراکز حمایتی به‌جای استفاده از نیروی انتظامی برای جلب آنان.

References

1. Terrio SJ. Migration, displacement, and violence: Prosecuting Romanian street children at the Paris Palace of Justice. *International migration*. 2004; 42(5): 5-33.
2. Garg PS. *Street Children: Lives of Valor & Vulnerability*. Ess Ess Publication; 2004, p. 30.
3. Gustafsson-Wright E, Pyne HH. Gender dimensions of child labor and street children in Brazil. Available at SSRN 636260. 2002.
4. Blandina S. Behind Bars: Abuses against detained Children in Brazil. *Pace Diritti Umani*. 2015; 3: 143-159.
5. Pare M. Educating marginalized children: The challenge of the right to education in Brazil. *The International Journal of Children's Rights*. 2004; 12(3): 217-57.
6. Types of violence against children and ways to prevent it. Available at: <https://www.isna.ir/news/97032210331>. [Persian]
7. The effective role of "economic" and "family" factors in creating the phenomenon of working and street children. Available at: <https://www.isna.ir/news/92062515658>. [Persian]
8. <https://web.archive.org/web/20171212031455/http://www.eclt.org/about-us/governance/international-labour-organization-ilo-international-programme-on-the-elimination-of-child-labour-ipec/>
9. Gharechorlo R. The situation of working and street children according to international documents and in Iran. Available at: <http://www.sepehredalat.ir/NewsDetails.aspx?id=180>. [Persian]
10. Mavunga RA. A critical assessment of the Minimum Age Convention 138 of 1973 and the Worst Forms of Child Labour Convention 182 of 1999. *Potchefstroom Electronic Law Journal/Potchefstroomse Elektroniese Regsblad*. 2013; 16(5): 121-68.
11. Failing MA. Too cheap work for anybody but us: Toward a theory and practice of good child labor. *Rutgers LJ*. 2003; 35: 1035.
12. Szilárd I, Baráth, Á. Trafficked Person and mental health, in: *Violence and Mental Health: Its Manifold Faces*, edited by Jutta Lindert, Itzhak Levav, Berlin: Springer; 2015, p. 246.
13. Padhi PK. *Labour and industrial laws*. PHI Learning Pvt. Ltd.; 2019, p. 340.
14. Convention concerning Minimum Age for Admission to Employment, Adopted by 58th ILC session; 26 Jun 1973.
15. UNICEF. *The State of the World's Children 2016: a fair chance for every child*, 2016, New York: UNICEF, p. 56.
16. UNICEF in the Islamic Republic of Iran. Available at: <https://www.unicef.org/iran>.